



بسم الله الرحمن الرحيم

تضاد تفکر توحیدی با بردگی و زیر سلطگی

هدف نهایی رسالت توحیدی اسلام، زوال شرک و بردگی و زیر سلطگی و برقراری جامعه توحیدی و نظام توحیدی است، و اصول آزادیبخش تفکر توحیدی اسلام، که نافی و منکر شرک و بردگی و زیر سلطگی هستند، از این قرار می باشند:

الف - قل یا اهل الكتاب تعالوا الی کلمة سواء بیننا و بینکم الانعبد الا الله و لانشرک به شیئا و لایتخذ بعضنا بعضا اربابا من دون الله (آل عمران - ۶۴) : « به منسوبان مکاتب توحیدی بگو که بیاید به سوی عقیده توحید، که بین ما و شما اهل توحید مشترک است، و آن اینکه جز الله را عبادت [اطاعت مطلق] نکنیم، و در خلق خلقت و اطاعت مطلق و صفات بلا حدود، شریکی برای الله قائل نشویم، و بعضی از ما آقای بعضی دیگر نشوند ». همانطور که از نص آیه پیداست، تحقق این آیه، سلطه انسان بر انسان را به کلی محو و نابود می سازد، کما اینکه ادامه وضع شرک آمیز موجود، نافی و ناقض این آیه است. وضع موجود مبنی بر سلطه انسان بر انسان است، و تا وقتی بعضی انسانها بر بعضی دیگر سلطه داشته باشند (مانند سلطه نظامهای استبدادی بر جوامع بشری، سلطه اغنیاء بر فقراء، سلطه مردان بر زنان، و یا تبدیل بعضی انسانها به ملک و مال بعضی دیگر، که شکل علنی تر نظام سلطه است و در نظام برده داری متجلی میشوند) و بجای رابطه اخوی و شورایی و استدلالی، رابطه عبد و معبود و جبار و مجبور برقرار و حاکم باشد، بشریت روی عدالت و سعادت بخود نخواهد دید، و آیه فوق الذکر عقیم و ذهنی باقی خواهد ماند. اینست که در فکر و فرهنگ توحیدی اسلام، سلطه گری و سلطه پذیری در اشکال مختلف بردگی و استبدادی و استثماری به کلی مرفوض و مردود هستند

و شرک محسوب میشوند .

آیه دیگری که صراحتاً سلطه و حکم غیر الله را نفی میکند و توحید عبادی و الوهی را اثبات می نماید ، از این قرار است : **ان الحکم الا لله امر الاتعبدوا الا اياه ذالک الدین القیم (یوسف - ۴۰)** : « حکم و امری جز حکم و امر الله مقبولیت و مشروعیت ندارد ، امر شده است که غیر از الله عبادت و اطاعت مطلق نشود ، اینست دین محکم و پایدار » . اینهم موضع دیگری از کلام رب العالمین ، که با تمام صراحت ، حکم و اطاعت مطلق را منحصر به الله نموده و اطاعت مطلق از غیر الله را باطل اعلام میدارد . پس در دین توحیدی اسلام سلطه انسان بر انسان و بدتر از آن ، نظام بردگی ، که در آن ، انسانها ملک و مال یکدیگر میشوند چگونه ممکن است؟؟!!!! آری ، حاکمیت و سلطه مطلقه غیر الهی باطل است ، و هر انسانی موظف است که تنها با فهم اجتهادی و در سایه « قناعت استدلالی » از ابناء بشری و رهبران بشری اطاعت کند ، و بعد از الله از کسی اطاعت تعبدی و بدون دلیل ننماید . اما وقتیکه کسی برده است و حتی صاحب جسم خود هم نیست ، و از طرف دیگر ، همه اعمال بشری بوسیله جسم بشری انجام داده میشوند ، چگونه می تواند مسلم و مطیع مطلق الله باشد؟! ، چنین چیزی ممکن نیست . بنابر این ، بردگی ، شرک مطلق است و در تضاد کامل با یک خدایی و نظام توحیدی است .

ب - ولقد کرما بنی آدم و حملناهم فی البر و البحر و رزقناهم من الطیبات و فضلناهم علی کثیر ممن خلقنا تفضیلا (اسراء - ۷۰) : « و به تاکید ما بنی آدم و نسل انسان را تکریم و گرمی داشتیم ، و آنها را در خشکی و دریا حمایت نمودیم ، و آنها را از خوراکیهای خوب و پاک رزق و روزی دادیم ، و آنها را بر اکثر مخلوقاتی که خلق کردیم تفضیل و برتری بخشیدیم » . حال باید گفت : آیا کسی میتواند مدعی احترام برای الله باشد ، اما نسبت به افضل مخلوقاتش آخرین حد بی احترامی را روا بدارد؟! مگر ممکن است که کسی عبد « الله » و در مقابل خالق خود شکر گذار باشد ، اما نسبت به افضل مخلوقات الله و موجودی که بنابر تصریح قرآن در احسن تقویم خلق شده و از روح الله در او دمیده شده است ، ولی همین شخص بیاید این موجود شریف را که این همه مورد توجه الله رب العالمین است ، سلب اراده نماید و او را خوار و ذلیل و بی اراده گرداند و برایش هیچ احترامی قائل نشود؟! چنین برخوردی در قاموس و فرهنگ توحیدی اسلام ممکن نیست ، و سلب حقوق الهی از بشر بی گناه ، حرام مطلق است . بی احترامی و سلب اراده از بشر و به زیر سلطه درآوردن و برده گرداندنش ، بی احترامی به خالق بشر است ، و چنین برخوردی

شایسته اهل کفر و الحاد و مادیت است .

در آیه دیگری قرآن منزل در باره ماهیت و شان انسان چنین می فرماید : **و اذ قال ربك للملائكة اني جاعل في الارض خليفة** (بقره - ۳۰) : « **و هنگامیکه خالق شما به ملائکه گفت : من در روی زمین خلیفه و جانشینی قرار می دهم** » . بله از نظر اسلام ، نسل انسان ، خلیفه الله و جانشین رب العالمین در روی زمین است ، همان بشری که خالقش او را افضل مخلوقات قرار داده و در بهترین شکل خلقش نموده و از روح خود در او دمیده است . بعد هم به ملائکه اش فرمان می دهد که در برابر این افضل مخلوقات و این جانشین الله در زمین خاضع شده و به برتری او اعتراف نمایند . حال با توجه به این مسلمات ، چگونه میشود چنین موجود برگزیده ای را بکلی پایمال و او را زیر سلطه استبدادی و برده دارانه قرار داد ، و در نظام قاسمی و استبدادی بردگی ، کرامتش را سلب و اراده اش را خرد و نابود کرد ، ولی در همان حال صحبت از مسلمانی و نظام توحیدی نمود؟!؟! ، چنین چیزی ممکن نیست .

از این دو اصل اساسی به نتایج زیر می رسیم :

۱- انسان از طرف الله موظف شده که تنها عبد و سرسپرده و مطیع مطلق باشد و غیر از الله را عبادت و اطاعت مطلق نکند و زیر سلطه و حاکمیت غیر از الله قرار نگیرد ، زیرا بردگی و زیر سلطگی و بی ارادگی انسان ، علاوه بر مظالم و مفسد آن و ضد بشری بودنش ، در تضاد با خواست و اراده الله است . و این پدیده ضد بشری و ضد توحیدی ، به مثابه عقیم کردن جوهره انسانیت و سلب اراده انسان ها و خنثی سازی رسالت رسولان است .

۲- پایه نبوت توحیدی اسلام ، آزادسازی بشریت از چنگ ارباب متفرقه و حکام مطلقه و تحریر بردگان و عبور از این عقبه ضد توحیدی و ضد بشری است . بدون آزادی انسان ها از یوغ برده داران و مستبدین سیاسی و اجتماعی و خانواگی ، توحید و اسلامیت متحقق نخواهد شد . چونکه اساس توحید و اسلامیت ، مبنی بر آزادی انسانها از سلطه یکدیگر و حاکمیت الله بر همه آنهاست ، و غیر از این ، شرک و چند خدایی است . رابطه انسان ها باید بر پایه اخوت و مشورت و استدلال باشد ، تا اصول توحیدی « استقلال و آزادی » حفظ شود ، و بر قراری اخوت و برابری و خلاصه شدن در حکم و حاکمیت الله جامعه عمل پوشد .

۳- بردگی و زیر سلطگی انسان ها در تضاد با خلیفه اللهی و برگزیدگی و کرامت آنهاست ، و در نتیجه چنین وضعی در تضاد با توحید و اسلامیت میباشد ، چونکه : **اولا** خلیفه اللهی و برگزیدگی و کرامت انسان ، ناشی از خواست و اراده الله است ،

و این واقعیت در آیات قرآن، صراحتاً بیان شده است، و همه چیز با توجه به خلیفه الهی و برگزیدگی و کرامت انسان ارزیابی میشود. **ثانیا** هر ارباب و سلطه گری، در ادبیات توحیدی اسلام، یک خدا تلقی میشود، و چنین پدیده ای، همان شرک است، که در دین توحیدی اسلام، اعظم گناهان است.

۴- بهره کار و فعالیت افراد زیر سلطه و بیگاری بردگان برای دیگران حرام است، زیرا: «ان لیس للانسان الا ما سعی و ان سعیه سوف یری: «برای انسان نیست جز آنچه که با کار و تلاش خود به دست می آورد، و انسان صاحب کار و تلاش خود می باشد و هر انسانی نتیجه آن را می بیند». این آیه در همان حال که هرگونه استثمار و بهره گیری از دیگران را نفی می کند، همان استثماری که پایه بردگی و زیر سلطگی است، صراحتاً اعلام می دارد که بشر صاحب نتیجه کار و تلاش خود می باشد و نمی توان این حق را از کسی سلب نمود.

۵- بنابر نص قرآن، مجازات بردگان (بدلیل زیرسلطه بودنشان) نصف انسان آزاد اعلام شده است!، چونکه انسان برده و زیرسلطه، بی اراده و بی اختیار و به تبع آن فاقد رشد کافی است. و اصلاً انسانهای زیرسلطه، چه سلطه استبدادی و چه سلطه بردگی، شبه انسان محسوب میشوند، و اینهم ناشی از این واقعیت است که از این نوع انسان ها، اصول انسانیت و استعداد انسان بودن و اراده انسانی، که خالق عالم به آنها عطا کرده، سلب شده است. بنابر این، چنین انسانهایی، فاقد موضع و فاقد دوست و دشمن و فاقد رای و نظر هستند، و همه چیزشان، ناشی و وابسته به آقا و بالاسرشان است.

بله، دین توحیدی اسلام در پی حل و انحلال ام المصائب بشری یعنی اسارت و زیر سلطگی، و اوج آن، یعنی بردگی بوده است. این مصیبت عظمی، در ادبیات توحیدی قرآن «شرک» نامیده میشود، زیرا بردگی و تحت سلطگی در تضاد با توحید و کرامت بشری و برگزیدگی انسان است. و قرار گرفتن یک انسان در بردگی و زیرسلطگی، به معنای خوار و ذلیل شدن یک روح الهی و خنثی شدن یک اراده برگزیده از طرف الله است.

سازمان موحدین آزادیخواه ایران

۲۰ محرم ۱۴۲۷ - ۳۰ بهمن ۱۳۸۴